

به نام خدا

جزوه درس آیین زندگی

مدرس: عباس موزون

نشست یکم ۸ مهر

بررسی واژه زندگی:

جاندار:

موجودی که مجموعه ای از ویژگی هارا داراست.

مثل: تولید مثل، جذب مواد از محیط بیرون و بالغ شدن همانند والد.

سنگ و کوه چون این ویژگی هارا ندارند. می‌گوییم که جاندار نیستند.

زنده:

موجودی که جان دارد.

زندگی یعنی موجودی که به زنده نسبت داده شده. با "ی" نسبت. مفرد است و برای خود شخص صادق است.

گ برای تلفظ آمده است.

اما زندگی فقط در تئوری ممکن است. چون با دیگران در ارتباط هستیم.

زندگانی یعنی روشی که با سایر زنده ها ارتباط می‌گیریم.

در عصر over information هستیم. میلیارد ها فکر در اطراف ما را احاطه کرده اند. هم خوب است و هم بد.

دستاوردهای مادی را تمدن می‌گوییم.

و دستاوردهای معنوی را فرهنگ می‌گوییم.

همواره زبان ها و فرهنگ ها دارند از بین می‌روند.

تعصب و عصبیت روی موضوعات مخل زندگی و پیشرفت بشر است.

باید دنبال بهترین روش زندگی باشیم و آن را برگزینیم.

روش زندگی نباید وعظ گونه باشد. حتی از مرجع های مختلف و...

شُبّه سوالی است که امر را مشتبه می‌کند. (مثال: آیا فلان چیز حقیقت دارد؟)

امکان بررسی تمام شبهات وجود ندارد. ورودی شبه بسته شدنی نیست.

طبق تجربه شخصی استاد، ریشه همه شبهات از یک‌جاست: وجود خدایند و همچنین مرز ماده و فراماده (غیب)

درباره برهان نظم: ما در اقیانوس بی‌نظمی ها قرار داریم که می‌توان چند نظم را یافت. بنابر این نمی‌شود گفت برهان نظم وجود دارد.

برهان انتظام: مجموعه ای از نقاط که باهم به خوبی کار می‌کنند. و لزوماً منظم نیستند.

زندگی روی کاغذ ممکن (تئوری) و زندگانی است که باید به آن پرداخت.

هرچه از دیگران به ما ارث رسیده است و حدیثاتی مثل برهان نظم و علی معلولی را کنار می‌گذاریم.

مسئله اسب های در دشت:

اسب ها و سوار آنها در دشت به صف ایستاده اند و پادشاه در تپه فرمان حمله می‌دهد.

این شرط وجود دارد که حرکت هر اسب منوط به حرکت اسب قبلی است.

اگر اسبی حرکت کند یعنی کسی پیش شرط را زیر پا گذاشته است. یا پیش شرط ندارد.

دکارت و شک کردن به خود.

جمله معروف دکارت: فکر می‌کنم پس هستم.

دنبال این بود که با یک روش قطعی همه چیز را اثبات کند. به ریاضی و به ریاضی گسسته رسید.

اول به خودش شک کرد.

اول به این نتیجه رسید که خودش وجود دارد. چون شک کرده بود و منطقاً این شک از وجودی ناشی می‌شود.

فرضیه چیزی است که برای توجیح واقعیت بیان می‌شود و می‌تواند درست باشد یا غلط و دیگران می‌توانند درباره آن اظهار نظر کنند.

نظریه چیزی است که خیلی‌ها آن را قبول دارند ولی همه قبول ندارند.

قانون همه قبول دارند و ممکن است قرن‌ها طول بکشد تا مثال نقض پیدا شود.

اصل: همه قبول دارند و قابل نقض نیست.

نشست دوم ۱۵ مهر

رابینسون کروزوئه:

کسی که تنها در جزیره‌ای بود (کلی سریال داره و کتاب درباره اس هست) هدف از بیان این مثال این بود که بیان شود این شخص بیشترین نزدیکی را با مفهوم زندگی (نه زندگانی) تجربه کرده است. (چون در جزیره با سایر جانداران در ارتباط بوده باز هم نمی‌شود گفت زندگی را تجربه کرده)

زندگی فقط روی کاغذ ممکن است و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم محکوم به زندگانی هستیم.

زنده (تعریف علمی):

موجودی که دارای فرآیندهای زیستی باشد.

کشف تا تشریح سلول از ۱۶۶۵ تا ۱۸۸۲ بوده است.

کوچک‌ترین واحد در ساختار و عملکرد هر موجود زنده سلول است.

مفاهیم شش گانه:

۱ پیام‌رسانی سلول‌ها

۲ رشد با دریافت ماده و انرژی از محیط

۳ تبدیل انرژی

۴ سوخت و ساز

۵ واکنش به محرک‌ها

۶ همانندسازی

(غلط های مصطلح: تبدیل انرژی برق درست است که تولید برق-اشکال ادبیاتی-اشکال فنی-اشکال کارکردی)

زنده مانی: مجموعه فعالیت هایی که سیستم برای باقی ماندن و ادامه یافتن فرآیند های شش گانه زیستی انجام می دهد را گوییم.

هر کنش و واکنشی که صرفاً برای انجام یکی از موارد شش گانه بالا باشد. جزو مجموعه رفتار های زنده مانی است.

همه کار های ما از جمله کار با گوشی و سفارش غذا و آیفون و همه برای زنده مانی است. شروع فرآیند با صدا زدن سلول ها شروع می شود.

(سیستم بسته در تئوری وجود دارد ولی در واقعیت سیستم ها باز هستند)

زندگی بسته است و زندگانی سیستم باز.

از نظر جمعیتی و اجتماعی ک جامعه ای... فرق انسان و حیوان تمرکز است.

انسان تمرکز ندارد

ولی حیوان تمرکز دارد.(گاو)

کسی که به جمع بی تفاوت باشد را حیوان می نامیم چون تمرکز روی یک کار خاص دارد و به جمع بی تفاوت است.

زندگی: زیست فرامادی فردی

مدیریت دوگانه و ارتباطی دو دسته فعالیت ها:

آیا چیزی جز ماده هست؟ -

مفهوم غیر ماده از کجا می آید؟ دین

آیا دین تأکیدی بر ضرورت این مبحث دارد؟

اولین آیه های قرآن در سوره بقره می گوید این کتاب هدایت گر است برای کسانی که به غیب ایمان دارد.

غیب: غایب از ادراک زنده (ادراک زیست مادی)

نه فقط غایب از چشم مادی

غایب از ماده و انرژی

اصول دین را باید با عقل اثبات کنیم. تقلید فقط در فروع است.

نشست سوم ۲۲ مهر

الکی از ال می آید

در تمام گویش ها ال از رها می آید.

وله

یال است (قسمتی از بدن اسب که رها است)

اثبات قطعیت وجود خدا بر اساس اصول و قوانین ریاضیات گسسته

۱ گزاره شرطی

۲ عکس نقیض گزاره شرطی

۳ سور وجودی و سور عمومی

موجود بودن آن اولی ناقض نقطه ابتدایی است.

کسی که برای زندگانی از خود می گذرد (روی مین، روی سیم خاردار) در اصل برای زندهمانی زندگان از خود می گذرد. یعنی باز هم این کارش ریشه در زندهمانی دارد.

زندان = جایی که افراد را زنده در آن نگه می دارند.

مدیریت زندگانی زندگان:

۱ مدیریت سیستمی

کل نگر و جامع

قابلیت کنترل و نظارت دقیق به دلیل جامعیت.

بازطراحی و باز برنامه‌ریزی فرآیند ها و رفع اشکالات.

چرخه های معیوب: مثل سه کارگر که وظیفه هر یک کندن کانال، لوله گذاری و پر کردن کانال است. اگر فرد دوم نباشد و دو نفر به کارشان ادامه دهند به این اتفاق چرخه های معیوب می‌گویند. (مثال زیاد دارد)

نشست چهارم ۲۹ مهر

پنج سرمایه مورد نیاز برای مدیریت:

زمان

مکان

تجهیزات

نیروی انسانی

منابع مالی

اگر قرار باشد همه زنده‌مانی کنند، وجود تعارضات باعث از بین رفتن زنده‌مانی خودمان می‌شود.

نگرش سیستمی:

یک زیست‌شناس نظریه تفکر سیستمی را بنا نهاد.

سیستم‌های حلقه باز و حلقه بسته.

به زندگانی نیز باید با چشم سیستمی نگاه کرد.

سیستم‌های پیچیده را می‌توان ادغام کرد و به چشم یک سیستم بزرگتر نگاه کرد.

سیستم‌ها و زیر سیستم‌ها به صورت توالی ادامه دارند تا مرز ماده و انرژی.

اهمیت نگرش سیستمی

۱ کل نگر بودن و جامعیت

۲ امکان کنترل و نظارت دقیق به دلیل جامعیت

۳ امکان باز طراحی ک باز برنامه ریزی فرآیند ها و رفع یا کاهش اشکالات به دلیل کنترل و نظارت دقیق و بهینه سازی.

۴ امکان بررسی ساختار ها و رویداد ها در پیوند با یکدیگر بدون دچار شدن به جزء نگری و رفتار های جزیره ای.

نشست ۵ ام ۶ آبان

معنوی ترین حالت من گرایی دنیای مدرن:

حال خوب مهمه، به خودت برس، ورزش کن، لبخند بزن، با گل ها حرف بزن، به فقیر کمک کن که خودت
حالت خوب بشه، آدم های سمی رو از زندگی حذف کن.

خنده یکی از نشانه های حال خوب است اما لزوما همه آن نیست. گاهی حتی به عنوان پوشش ناراحتی ها عمل
می کند.

حال خوب بد نیست. اما همه چیز نیست.

ترشح هورمون از ابزار زنده مانی است.

ابزار هدف نمی شود.

تلاش برای تامین حال خوب در زندگی فردی. چنانچه مخل حال خوب جمعی باشد در دراز مدت شروع به
تخریب حال خوب فردی می شود.

هرمون ها انتقال دهنده عصبی هستند.

دوپامین: بالای کلیه چسبیده است و در نورون ها ترشح می شود.

هیچ وقت نمی توان به تنهایی حال خوب داشت.

خوب بودن برای تا آخر عمر سخت است:

وقتی به این فکر می کنیم. تمام سختی ها تا آخر عمر به چشم ما می آید اما اگر به این فکر کنیم که برای ۱۴
ساعت خود را کنترل کنیم کار آسانتر است.

برای هر نقض عهد که در این ۱۴ ساعت اتفاق بیفتد یک جریمه برای خود تعیین میکنیم.

مشارطه

مراقبه

محاسبه

نکته: تضمینی برای زنده ماندن برای یک دقیقه آینده هم وجود ندارد.

ازدواج: حال خوب جسمی یا...

بچه دار نمیشم چون سخته، شب بیداری میخواد، بدنم بهم می‌ریزه، میخوام گردش برم، کار کنم.

معنی رحمت-رحم؟

شروع پایان و حین سه اصل هر پدیده ای است و برای همین عدد ۳ مهم است.

یکی از هورمون ها در امتحان می‌آید.(نقل شده در کلاس- روی اسلاید چنتا هورمون بود من فقط یکی رو

نوشتم برید بخونید چنتا هورمون برای اطمینان)

نشست ششم ۱۳ آبان

توتیا: سرمه، (ادبیات شفاهی).

در استان های غربی ایران به چشم تیه گفته می شود. تو تیا یعنی داخل چشمی.

این جلسه برای جلوگیری از مباحث خسته کننده نظری درباره یکی از مباحثِ جلوتر صحبت خواهیم کرد.

کسی که دیدگاه خود خلقت (جهان همینطوری از وسط آسمون افتاده) دارد به خلقت اعتقاد ندارد که رابطه سیستمی را خود-خلقت تعریف کند.

زندهمانی رویکرد تمدن پایه و رویکرد اجتماع محور دارد.

در زندگانی رویکرد فرهنگ پایه و دیدگاه جامعه محور دارد.

در زندگانی زندهمانی و تمدن مورد قبول است.

ولی در زندهمانی زندگانی نادیده گرفته می شود. مشابه مثال روابط اسلام و مسیحیت و یهودیت با یکدیگر.

در غرب امروزی صنعت فیلم سازی به عنوان صنعت سرگرمی شناخته میشود.

با تمام روح و معنا و داستان های جذابی که می تواند در بر داشته باشد.

مباحث عملی:

کنش ها و واکنش ها، دیدن و شنیدن و راه رفتن و ... فرایندشان از مغز شروع می شود.

برای بررسی منطقی و اصولی مباحث باید از مغالطه ها دوری کرد. مغالطه یعنی اینکه ذهن در استدلال و قانع کردن دچار خطا می‌شود.

از قدیم مبحث مغالطه وجود داشته است و خیلی ها دنبال این هستند تا مغالطه را یاد بگیرند و با آن طرف مقابل را قانع کنند.

مغالطه بین انسان و خودش نیز شکل می‌گیرد ولی اگر طرف از کاری که می‌کند باخبر باشد به آن سفسطه می‌گویند.

استفاده مغرضانه از مغالطه یعنی سفسطه.

حدود ۱۰۰ مغالطه مرسوم داریم.

در علوم شناختی (cognitive science) حدود ۲۰۰ مورد وجود دارد که مشابه مغالطه است.

بسیار خوب است تا یک کتاب درباره مغالطه و خطاهای شناختی بخوانیم و این موارد را بشناسیم.

در هیچ شاخه ای از دانش اینکه یک موضوعی رایج است و همه می‌گویند (یکی از مغالطه ها) نباید مبنا قرار گیرد.

اینکه چنین چیزی را می‌گویی و فلانی (مثلا انشتین) نگفته است و آیا تو از آن بلد تر هستی؟ (یک مغالطه دیگر)

هدف / از بحث زیر:

جرائت مندی برای شک کردن به واضح ترین واضحات.

نقشه‌ی جهان در ۵۰۰ سال پیش اولین بار منتشر شد.

سال ۲۰۰۲ آرنو پیترز در اعتراض به نقشه جهان ادعایی کرد: نقشه جهان با مساحت های واقعی هم خوانی ندارد.

روی نقشه آلاسکا بزرگتر از مکزیک است ولی در واقعیت مکزیک بزرگتر است.
گرینلند در نقشه دو برابر چین است ولی واقعیت حدود یک دهم چین مساحت دارد.
در سنجش زمان و مکان تا قبل از دوره صفویه و رشد اروپا ایرانی ها سرآمد بودند.

مبنای هر چیزی قرار داد است و گرنه نه شمال و جنوب داریم و نه بالا و پایین.

اروپایی ها علم نقشه برداری را از ایران آموختند و نقشه هایی که قبلا کشیده شده بود را سر-ته کردند و اروپا را بزرگتر و پهن تر کشیدند. (در نقشه های قبل از آن جنوب بالای نقشه قرار داشت)

اینکه ابعاد نقشه متفاوت است قبول اما اینکه حتی یک جمله یا کلمه در دانشگاه ها و کتاب ها نوشته نمی شود که چرا اینگونه است مورد بحث است.

یه بار دیگه هدف /این/ از نقشه بازی رو صفحه قبل بخون بعد بریم جلسه بعد.

نشست هفتم ۲۰ آبان

در جنگل زار رسانه ها، داده ها، اطلاعات زیاد چگونه سیستم داخل جمجه و کل بدن را مدیریت کنیم:

ورودی ها چشم و گوش و پوست و دهان اند.

وردی های پوستی غیر از حس: کرم، چاقو آمپول.

خروجی ها: تعرق، سخن، نفس و...

در زندگانی محیط انسان فارغ از محیط ماده و انرژی محیط غیر ماده نیز تعریف می شود (سیستم انسان)

انسان متشکل از تن و من است. اگر بگوییم که فلانی می گوید من از تنم مراقبت می کنم می گوییم که تو

کیستی که از تنم مراقبت میکنی آیا جدا از هم هستید؟

این استدلال یک استدلال فطری است و باید استدلال عقلی کرد.

ورودی های ناحیه صورت:

× چشم:

ورودی اول: نور

ورودی دوم: دارو و قطره و ...

× گوش

خروجی های ناحیه صورت:

× چشم:

اشک و قی

همه خروجی ها یک بخش جدید و جداگانه دارند به نام بادی لنگویچ (زبان بدن)

مدرکات پساوایی:

نور

امواج

مواد نافذ

نطفه

نکته: اینجاها ناقصی زیاد داره.

مهم ترین خروجی انسان، انسان است (ذهن منم رفت سمت آقا جواد خیابانی)

علوم شناختی: عمو زاده مغالطه هاست.



مثلت الف تا د که روی اسلاید ها بود:

یک مثال ابزاری برای درک مغالطه

چهار دسته مردم جامعه در مواجهه با مفهوم خدا:

۱ نه خدایی هست و نه جهان مادی گرا.(الف)

۲ خدا هست و فرا ماده هم وجود دارد و فرستادگان هم دارد.(د)

۳ هم می تواند باشد و هم می تواند نباشد. مرددان.(ب)

گروه الف و ب هر دو عقیده خود را بیان می کنند.

۴ گروه چهارم عقیده الف و ب را دارد ولی مانند گروه دوم رفتار می کند و استاد زنده ماننی هستند - چون

هر کجا که می روند در رنگ آنجا در می آیند. (ج)

مثال: دکتر محمد تمدن رستگار، فوق تخصص بی هوشی در تهران - فصل سوم برنامه زندگی پس از زندگی در [این لینک](#).

افراد گروه الف دیدگاهشان را با سایرین به اشتراک می گذارند. و بیشترین تاثیر را روی گروه ب می گذارند.

افراد گروه ج با اینکه به رنگ گروه د است ولی در اصل نقش تقویت کننده گروه ب و الف هستند.

فلانی با این ظاهر و لباس و اعتقادات فلان کار را کرد پس اعتقاد او کلا از بیخ غلط است.

اصل همدلی

تلاش فرد منطقی برای ارائه بهترین برداشت و قابل دفاع ترین تعبیر ممکن از گفتار گوینده به گونه ای باشد که با مقصود او یکی باشد.

هدف از اصل همدلی پرهیز از انتصاب دروغ به مدعیان دیگر است.

جفت و جور:

جفت و جور بودن دو طرف، اگر قرار باشد دو طرف از اول نسبت به آخر گفت و گو گارد داشته باشند شروع گفت و گو کار اشتباهی است.

گفت و گو: لازمه گفت و گو گفت و شنود است.

مغلطه ها: (عمدی و آگاهانه نیست)

اگر کسی آگاهانه استفاده کند به آن سفسطه می گویند. (یا تشخیص مغالطه و سکوت درباره آن)

حضرت امیر(ع): رفتار برادرت را به بهترین نحو تعبیر کن. مگر زمانی که دلیلی اقامه شود که راه توجیه را برای تو ببند. و تا وقتی که... اسلاید

خطای هاله ای: تعمیم جز به کل.

۱۸۹ خطای شناختی: در سه گروه ۵ دسته ای و یک گروه ۶ دسته ای.

مغالطه مناظره:

وقتی دو نفر می نشینند صحبت کنند و داوری برای آن تعیین می شود این مناظره یک مغالطه می شود.

چون فرد به جای پرداختن به اصل موضوع فقط به بردن مناظره و حفظ آبرو و تجربه و شخصیت خودش می پردازد.

نشست ۸ ام ۲۷ آبان

اینجا هم ناقصی زیاد داره

مغالطه های شکلی صوری:

مغالطه های ابهامی: اشتراک لفظی

کژتابی: ابهام ساختاری.

واژه مبهم: علمی نیست.

اهمال صور: استفاده اهمال گونه از قید ها. یا حذف آنها.

مغالطه دوری: چرا تریاق خواب آور است؟ چون منوم است.

بی دقتی برای گمراه سازی: مغالطه کنه و وجه. تاکید بر روی یک بخش به مقدار زیاد.

افراد کاریزماتیک بیشتر توان اقناع در مغالطه هارا دارند.

مغالطه علت جعلی: بخشی از دلایل به عنوان علت اصلی بیان می شود.

بزرگنمایی: بزرگ و مهم جلوه دادن یک بخش. میلیون ها کودک ایرانی در ایران در سطل زباله دنبال غذا هستند.

مغالطات ادعای بدون استدلال:

استدلال از راه سنگ زدن: زمینه سازی برای سلب امکان نقد مدعا. ایشون فرزند من هستن. ایشون معتمد هستن. واقعا می‌خواهی بگی فلانی این کار رو کرده؟

اتهام نادانی: اینکه بسیار بدیهی است و استدلال نمی‌خواهد...

مسموم کردن چاه: انتساب ویژگی بد به مخالفان. کسی که اینو ندونه فلانه.

تله گذاری: نسبت دادن ویژگی خوب و پسندیده به موافقان آن ادعا. هرکی موافقه آدم حسابیه

{ (تجربه توانایی و خرد (ESK)

مهارت - تجربه - دانش

دانش: آنچه به صورت آکادمیک بررسی شده.

تجربه: با رزومه و سوابق می‌آید.

مهارت: نه تجربه است و نه سابقه ای. ویژگی های اخلاقی و رفتاری و...

{

متد دلفی

روش دلفی فرایندی ساختار یافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است که از طریق توزیع پرسشنامه‌هایی در بین این افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی صورت می‌گیرد. تکنیک دلفی برای «شناسایی» و «غربال» مهمترین شاخص‌های تصمیم‌گیری قابل استفاده است.

هفت دسته مغالطه:

۱ نقل

۲ نقد

۳ ادعای بی استدلال

۴ دفاع

۵ بی دقتی گمراه ساز

۶ ابهامی

۷ در استدلال

۱ نقل:

دروغ:

توریه:

-من دارم میام در خونتون قرضم رو پس بگیرم.

+ تلفن را قطع می کند می رود بیرون و می گوید که الان خانه نیستم (دروغ شرعی)

همون من نبودم دستم بود تقصیر آستینم بود

نقل قول ناقص: زیاد در فضای مجازی دیده می شود.

تحریف: پس و پیش کردن حرف. تحریف نقطه حرف یا ...

در نسخه های خطی تحریف ناخواسته (مغالطه) زیاد است.

تفسیر به رای: اطلاع نداشتن از یک موضوعی اظهار نظر درباره آن.

تاکید لفظی: تاکید بر روی لفظ باعث عوض شدن معنی و برداشت از جمله می شود.

مثال:

کی شعر تر انگیز خاطر که حزین باشد.

نشست ۹ ام ۴ آذر

تشکیل نشد.

نشست ۱۰ ام ۱۱ آذر

زندگانی در بخش نظری: منبع شناسی است.

در بخش عملی: کوشش و عمل که منطق را در برمی گیرد.

یکی از بخش های عملی و قابل انجام شناخت مغالطه است.

در بخش نظری می توان منبع را به صورت زیر دسته بندی کرد:

۱ رای فردی: اینطوری فکر میکنم و اینطوری دوست دارم و حق اظهار نظر را به کسی نمی دهم.

در این الگو موارد زیر حاصل می شود: تداخل منابع، تضاد منافع

۲ آرای جمعی: هرچی بقیه بگن.

در این الگو موارد زیر بروز پیدا می کنند: - کاهش تنش ها - تحدید اقلیت (قضیه گالیله)، تضییع معیار دانش (اگر

حرف جدید زده نشود علم رشد نمی کند)، تضاد دموکراسی های موازی (منجر به درگیری و نزاع می شود)،

استیلای رسانه (در اصل رای اکثریت با رسانه و اقناع تعیین می شود).

۳ آرای نخبگان: نخبگان و متخصصان و کارشناسان باید حکومت کنند.

در این نوع منبع جویی برای دانش موارد زیر رخ می دهد، سودجویی نخبگان (تضمینی وجود ندارد که سود

خودش را در نظر نگیرد)، محدودیت ذاتی و مداوم دانش، تضاد نخبگان، ائتلاف نخبگان (تبانی - یه سفره ایه

بشینیم دور هم بخوریم)

این موارد در سه الگو به ترتیب تقویت می شود:

تضعیف توان مقاومت در برابر سلب حقوق

افزایش خطر استیلای غیر محق بر محق

(قبول دارم پیچیده شد - منم مغزم پیچید توهم)

دانش را باید از جایی گرفت که دو ضد ویژگی را نداشته باشد:

۱ نقص دانش

۲ تداخل تضاد و تناقض منافع و منابع و مقاصد

۴ خود آی:

عالم مطلق است. در ظاهر به نظر می‌رسد خطر نخبگانی به بیشترین مقدار ممکن می‌رسد اما باید در نظر گرفت که این خودآی سود و زیانی در ارتباط با ما ندارد. همانند پدری مهربان است.

در قرآن سرچ کنید(به راحتی باید ها و نباید ها در می‌آید)

یحب

لا یحب

نشست ۱۱ ام ۱۸ آذر

ازدواج کنید ۲ نمره می گیرید. (چون دوستان مطمئن بودن تا ته ترم مزدوج می شن چون زدن شد ۳ نمره - مارا چه نصیب؟)

ادامه ی مغالطات:

طلب برهان، کسی موردی را ادعا می کند و وقتی با آن مخالفت شود می گوید که شما اثبات کنید که غلط است. در صورتی که اثبات غلط بودن آن نشدنی یا پیچیده است.

مثال:

- اینجا وسط جهان خلقت است (با انگشت اشاره جلوی پایش را نشان می دهد)

+ از کجاست درآوردی؟

- خیلی واضح که اگه میگی نه، ثابت کن که مرکز جهان نیست...

دوراهی کاذب:

فلان جا برو اگر بروی یا فلان می شود و یا بهمان می شود. (در صورتی که ۱۰۰۰ حالت دیگر جا دارد بشود)

مغالطه تکرار:

وقتی یک طرف ادعایی را تکرار می کند ما شک میکنیم که آیا واقعا داریم اشتباه میکنیم؟ (یه حکایت از مثنوی
صرفا برای تنوع وگرنه امتحان نمیداد - [حکایت](#))

فضل فروشی:

برای اینکه به باگ های حرف طرف مقابل گیر ندهیم یا ... از رزومه یا فضائل خود می گوید.

کمیت گرایی افراطی:

وقتی آمار یا اعداد با دقت بالا ذکر می شود. ما دچار ضعف در برابر فرد می شویم. و باور می کنیم

مثال:

۹۹/۷ درصد مردم تهران افسرده اند.

بیان عاطفی:

در پاسخ سوال یک فرد با بیان عاطفی طوری برخورد می کند که گویی سوال زیر سوال می رود.

مثال:

+ ببخشید شما مدرکت تحصیلی تون چیه؟

- من؟ واقعا از من مدرک میخوای؟ منی که ...

+ ببخشید جسارت کردم.

عبارت جهت دار:

آنهايي که فلان اند بهمانند. و معلوم نيست اين فلان کدام اند.

توسل به احساسات:

در بیان عاطفی موضوعی را که بیان میکنیم احساساتی را به شخص منتقل می کنیم. در توسل به احساسات حرف را طوری بیان می کنیم که فرد مقابل مسئله را بپذیرد.

تهدید:

اگر فلان کنید من بهمان می کنم.

تطمیع:

اگر ازدواج کنید یک نمره می‌دهم.

توسل به ترحم:

جووری حرف می‌زنیم که ترحم طرف مقابل را جلب کند.

توسل به مرجع مشهور:

فلانی بلد نبود شما بلدید؟

نشست ۱۲ ام ۲۵ آذر

حق و حقوق را چه کسی تعریف کند؟

ترتیب حقوق چیست؟

حق یعنی ستانده و یا ورودی سیستم در سیستم کلی که از سایر اجزای سیستم به آن ارائه می‌شود.

وظیفه: داده (کار یا فرآورده)،

چون خالق این ویژگی ها و ورودی و خروجی هارو به خوبی می‌شناسد. اوست که حق و وظیفه را به درستی تعیین می‌کند.

منتقل کننده این حقوق و وظایف:

پیامبر و امام که به گونه ای مرز بین سیستم و محیط هستند.

الجار، ثم الدار:

نه اینکه بیشتر به فکر دیگران باشیم. یعنی اینکه پیشتر به فکر دیگران باشیم.

ابتدا محیط را تمیز و مطلوب می‌کنیم بعد به زندگی در آن محیط می‌پردازیم. تنظیم بیرون سیستم و ورودی های آن موجب کارکردن به درستی خود سیستم می‌شود.

کُلُّکُم راع

من فی الی

در سیستم زندگانی انسان "تن" برای "من" یک همسایه محسوب می‌شود.

در رساله حقوق امام سجاد داریم:

برخی حقوق بر برخی دیگر برتری دارد.

بزرگترین حق: حق خدای است.

ترتیب حقوق:

فرادستان

فرودستان

خویشان

خود

حق فرادستان: واجب ترین آن حق حاکم است. چون کار تو دست اوست.

خودکار اداره خیلی مهم تر از خودکار برادر است چون اثر قبلی روی چندین نفر است.

برده یعنی بر دهنده (ثمر دهنده)

در اسلام کشتن و شکنجه اسیر جنگی ممنوع است. به عنوان یک خدمتکار در خانه ها از آنها استفاده می‌شده.

رساله حقوق مختصری مطالعه شود.

برده در اسلام: تنها و تنها اسیر جنگی است. (نه کسی که قبل از اسارت خرید و فروش می‌شود – مثلاً پسری که از خانواده اش خریداری شود)

آنچه در سنت اهل بیت و پیامبر دیده شده: این اسیر ها بعد از یک یا دو سال آزاد می‌شدند و به سرزمین های خودشان بر می‌گشتند و رفتار انسانی مشاهده شده خود موجب تبلیغ اسلام می‌شد.

نشست ۱۳ ام ۲ دی

حق و وظیفه دو روی یک سکه اند.

کسی که حقی را به جا می آورد وظیفه طرف مقابل را به جا می آورد.

در نگاه سیستمی اصل اساسی رسیدگی به حقوق نخست مجاوران و سپس داخل است.

در دیدگاه سیستمی خراب کردن هر یک از ورودی، خروجی، فرایند باعث بهم خوردن سیستم یا اخلال در کار آن می شود.

مثال: درباب ازدواج و نتوانستن برای اقدام به ازدواج و بهم خوردن سیستم در صورت کنترل نکردن ورودی(چشمی).

در اهمیت زبان بدن.

دو برداشت اشتباه رایج درباره زبان بدن:

اینکه فقط بدن است.

هدف این نیست که فکر طرف مقابل را بخوانیم.

بلکه هدف این است که پیام ما درست منتقل شود.

تنها وسیله ای که همیشه همراه ماست بدن است.

ما سه وسیله ارتباطی غیر کلامی داریم

زبان بدن

زبان بدنه (لباس و افزودنی هایی که با خودمان به همراه داریم مثل عینک لباس رنگ لباس و)

بدون...

استفاده نکردن از زبان های بدن و بدنه

نکته فرهنگ های مختلف زبان های بدن فرق دارد.

نتیجه تحقیقات آلبرت محرابیان

کتاب: قانون طلایی ارتباطات

در انتقال یک پیام:

۵۵ درصد زبان بدن

۳۸ درصد لحن صدا

۷ درصد کلمات

اثر گذارند.

چند حدیث از پیامبر:

وقتی کسی شما را صدا زد با تمام صفحه سینه به سمت او برگرد

اگر از کسی خشمگین شدی روی از او برگردان و به او سلام کن (سلام در عربی یعنی خدا حافظی)

اولویت و اشراف تن:

هرچه در بدن بالاتر برویم اثر آن بیشتر می‌شود. (اثر صورت در انتقال پیام از اثر نیم تنه پایین بیشتر است)

در خود صورت هم اثر چشم نسبت به دهان و چانه به صورت ترتیبی بیشتر است.

ارتباط تفکر با نمایش بدن و برجستگی های آن:

هرچه نمایش بدن و برجستگی های بدن بیشتر باشد در تفکر ما انسان ها میزان متفکر بودن شخص کمتر می‌شود.

دلیل این امر این است که کسی که می‌خواهد به حرف ها و محتوای درونی آن دقت شود در ظاهر سعی می‌کند از انحراف نگاه به برجستگی های بدن جلوگیری کند و توجه را به فحوای کلام جلب کند.

در شرق و غرب و ایران باستان و ... پوشیدگی یک اصل اساسی بوده است.

نشست ۱۴ ام ۹ دی

فایل های صوتی؟ و یک سری فایل برای محتوا و پرسش و پاسخ در سامانه قرار خواهد گرفت.

در آزمون یکسری سوال تشریحی خواهد بود و یک سری سوال تحلیلی بهتر است برای سوال ها با ذکر مثال تشریح شود که تا مصحح متوجه شود که فرد متوجه مسائل شده است.

یک ساختمان ۴ طبقه با مساحت مشخص پر از کاغذ نیاز است تا داده های یک ثانیه از نگاه ما را کد گذاری کرد تا بگونه ای که بشود بازسازی (دیکود) کرد.

بعضی زبان بدن ها فردی، خانوادگی، فامیلی، محلی یا مذهبی و کشوری است.

در زبان بدنه موارد زیر حائز اهمیت است:

نقاط

خطوط

سطح

حجم

رنگ ها: سبز و آبی آرام کننده است. گرما، نارنجی و قرمز.

حرکات

+

کارکرد شی (زمینه فکری آن شی)

ما افقی می‌بینیم

عکس‌های عمودی باعث استرس و تشویش می‌شود.

گشاده رویی: از چانه تا ابرو را رو می‌گویند. بنابراین جهش ابرو را گشاده رویی گویند.

در دست دادن:

زاویه دست

فشار

فاصله

تکان دادن

دست دوم در چه حالتی باشد

مرطوب بودن یا خشک بودن دست. (از لحاظ پزشکی عرق کردن دست نشانه ترس و استرس و ضعف است)

راه‌های دست دادن به گونه‌ای که دست خودمان بالا، پایین، و عمودی و برابر باشد را با ایجاد کانال با دست دیگر و چپ و راست کردن زاویه سر می‌توان کنترل کرد.

مثال استوانه شخصی.

مردم روستا به دلیل اینکه کمبود فضا ندارند. در دیدارهای خودشان در فاصله نزدیک تری از هم قرار می‌گیرند. ولی شهری‌ها که اغلب کمبود فضا دارند. در فاصله دور تری از هم قرار می‌گیرند.

در فرهنگ شرقی در نشستن پشت میز دست زیر میز و در فرهنگ غربی دست روی میز قرار می‌گیرد.

قوس ایستگاهی: نزدیک شدن مناسب به یک آقا: از زاویه ۳۰ تا ۴۵ و سپس رفتن در زاویه ۹۰ درجه.

نزدیک شدن به خانم ها از زاویه های کمتر از ۹۰ درجه (غیر رو به رو) موجب تشویش و نگرانی می شود و احساس بدی به وجود می آورد.

مثلث تابو

دو طرف دهان و بینی. این ناحیه را نباید نگاه کرد چه در آقا و چه در خانم.

مثلث باتو

دو گوشه چشم تا بخش هایی از بالای بینی. (اینجا رو باید نگاه کنیم)

موقع صحبت فقط مجاز به نگاه کردن به پایین هستیم. چپ و راست و بالا کار را خراب می کند.

زندگانیم و زمین زندان ماست

راندگانیم از بهشت جاودان

گندم آدم چه با ما کرده است؟

جسم قبر و جامه قبر و خانه قبر

جمع آب و آتشیم و خاک و باد

مور را مانیم، کاندلر لانه ها

احتیاج این کاسه دریوزگی

آبروی ما به صدر ریخته است

جز به اشک توبه نتوان پاک کرد

میزبان را نیز با خود می برد

خضر راه خویشتن باش ای فقیر

شهریارا، هر غمی را داروییست

زندگانی درد بی درمان ماست

وین زمین زندان جاویدان ماست

کآسیای چرخ سرگردان ماست

باز لفظ زندگان عنوان ماست

این بنای خانه‌ی ویران ماست

روز باران هر نمی طوفان ماست

کوزه آب و تغار و نان ماست

لقمه نانی که در انبان ماست

لکه ننگی که بر دامن ماست

مهلت عمری که خود مهمان ماست

چشم گریان چشمه حیوان ماست

داروی دیوانگان، [دیوان ماست](#)

#شهریار